



”

پروژه توسعه و پیشرفت در رسانه نمی‌تواند کوتاه‌مدت باشد و باید کسی بپذیرد که حاصل یک‌عمر کار او در روایت و رسانه راهی خواهد گشود. پس با این حوصله یک‌عمر، چطور انتظار رویداد ممکن است

”

شبکه چهارم سیما (شاید به سبب طبیعت مخاطبانش) همچنان در انتظار است و ما این را در یلدای چاووش مشاهده کردیم. یعنی گویی هنوز کسی انتظار می‌کشد تا کس دیگری پیدا شود و حرفی بزند که دلی را گرم کند و زنگاری را بزدايد. ادعای چندوجهی شبیه چاووش که وجوه مختلف آن از هم بیگانه نیستند،

فرصتی استثنایی در طرح بحث فرصت پیشرفت و توسعه پیش روی ایران هستند. در ادامه تلاش می‌کنم از این اعدا دفاع کنم.

رسانه و روایت به مثابه عقل عملی و علوم انسانی

واضح است که رسانه جای بحث‌های جزئی تخصصی و دانشگاهی نیست. اما رسانه می‌تواند جست‌وجوگر باشد و به قول همکار عزیزم، جناب محسن صفایی (دبیر موسیقی چاووش) در هر پرونده چیزی برای کشف خود ما وجود داشته باشد. پس سؤال و مسأله‌ای هست و کسی به دنبال واضح‌تر کردن تصویر کلی این مسأله برای خود و مخاطبان است و در هر قسمت و در هر پرونده و در کل پرونده‌ها قابی را واضح‌تر و واضح‌تر می‌کند که امکان یگانه توسعه و پیشرفت کشور در آن قاب پدیدار است. این روایت می‌تواند از اصلاحات جزئی راه تا کلیت فهم را تحت تأثیر خود قرار دهد و در کنار سینما، داستان و... از علوم انسانی به عقل عملی برسد که البته صبر و مداومت و حوصله می‌طلبد. شئون مختلف زندگی ما از هم جدا نیستند و ما اشتباه می‌کنیم اگر به این نتیجه رسیده‌ایم که باید به علم، فرهنگ، هنر و تفکر جدای از هم پردازیم. این جدا افتادگی به معنی واقعی کلمه آفت درک ما در مواجهه با جهان جدید است. ما نهادها و محصولات دنیای مدرن را بدون توجه به آب

غیرمنتظره بود. اصلاً اتفاق افتادن و پدید آمدن این مسأله در راه یک عمر فعالیت هنری یارسانه‌ای نشانه همگامی آن مسأله و فعالیت باتاریخ و آینده است. منتظر رویداد بودن یعنی یک امید معقول به پدیدار شدن نتیجه‌ای فراتر از فهم و روش‌های ما که گویی با دیدن آن به برکت و نزدیکی زمین و آسمان امیدوار می‌شویم. من در مسیر رسانه پیشرفت و توسعه منتظر یک اتفاق فراتر از انتظار هستم و آن پدید آمدن زبانی شبیه شهید مرتضی آوینی و همدلی و هم‌زبانی مردم با آن زبان است. در رسانه حرفه‌ای ما کسی منتظر نیست و کم‌کم حوصله گفت‌وگو تحلیل می‌رود. فرم با روش‌های جذاب اشتباه گرفته شده و خیری از یگانگی فرم با محتوا نیست و شبیه حضرت مسیح در برداردن کارامازوف، احتمالاً شهید آوینی هم در رسانه جریان اصلی ما شانس زیادی نداشته باشد و در حرفه‌ای‌گری و روشمندی محکم به روی او بسته خواهد شد. ادعای این متن این است که این شبکه چهارم سیما (شاید به سبب طبیعت مخاطبانش) همچنان در انتظار است و ما این را در یلدای چاووش مشاهده کردیم. یعنی گویی هنوز کسی انتظار می‌کشد تا کس دیگری پیدا شود و حرفی بزند که دلی را گرم کند و زنگاری را بزدايد. ادعای دیگر این متن این است که مجله‌های چندوجهی شبیه چاووش که وجوه مختلف آن از هم بیگانه نیستند،